

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در متون تلویزیونی؛ مورد مطالعه، سریال اغماء

علی اسکندری* - مهدی یوسفی**

چکیده

در مقاله حاضر جایگاه رسانه و به طور خاص تلویزیون در امر تعلیم و تربیت اسلامی، متکی بر آموزه های قرآن کریم، سنت نبوی و با تأکید بر فرمایش های امیرالمؤمنین علی(ع) مورد بررسی قرار می گیرد. برای فهم نحوه حضور رسانه در امر تربیت، باید ابتدا شناخت نسبتاً کاملی از موضوع تعلیم و تربیت و ضرورت آن کسب نمود؛ در ادامه تلاش می شود که مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار گرفته و پس از بررسی نظریات اندیشمندان غربی و مسلمان مطرح در این عرصه، وضعیت تربیت در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران مطرح و وضعیت رسانه ملی مورد ارزیابی قرار گیرد. در نهایت پس از طرح اصولی به عنوان اصول تربیتی، ذیل دو عنوان تولیدات رسانه ای و مخاطبان، نحوه بازنمایی اصول تربیتی در یکی از تولیدات سیمای جمهوری اسلامی ایران (سریال تلویزیونی اغماء) مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه ها

قرآن، نهج البلاغه، تعلیم و تربیت، مهارت آموزی، رسانه

*. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)

** دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه تهران

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس حکومتی دینی و اسلامی براساس تعالیم قرآنی، ضرورت تغییری بنیادین در تمام نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌ویژه در نظام تعلیم و تربیت کشور احساس می‌شود. این ضرورت هم به لحاظ ماهیت فرهنگی و معنوی انقلاب و هم به لحاظ تأثیرپذیری سایر نظام‌ها از نظام تربیتی اسلامی نمود بیشتری پیدا می‌کند. بر همین اساس، تبیین مبانی و اصول اساسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از منابع اسلامی، بسیار لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، به دلیل وسعت حوزه‌های معرفتی و علمی و عدم انتقال سریع آنها با استفاده از روش‌های تقلیدی صرف، بهره بردن از دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های گروهی که دارای توان بالا در جهت انتشار بین گروه‌های مختلف مردم باشند، برای تحکیم فرایند تعلیم و تربیت و تعمیق آن در حوزه‌های علمی، فنی و اخلاقی در خارج از محیط تربیتی بیش از پیش ضروری خواهد بود و لازمه این امر، اتکا به فرهنگ غنی و جامع اسلامی - ایرانی و تقویت بخش‌های رسانه‌ای جامعه خواهد بود.

چارچوب نظری

تلویزیون در جهان امروز، به عنوان متنی فراگیر و گسترده و رسانه‌ای برای انتقال معانی و دلالت‌هایی است که رمزگذار در اثر تلویزیونی، آن را برای مخاطب خود قرار داده است. تجزیه و تحلیل محصولات این رسانه، به دلیل استقبال مخاطبان آن برای محققان حوزه‌های مختلف علوم انسانی لازم و ضروری است. سالیان متوالی تنها روش، تحلیل متون رسانه‌ای، نگاه زیبایی‌شناسانه به فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی بود. اما امروزه روش مطالعه متون تلویزیونی محدود به این روش نمی‌شود. تغییر جهت از نگاه صرف زیبایی‌شناختی به نگاه‌هایی چون بازنمایی و نشانه‌شناسی محصول، تلاش طیف وسیعی از متفکران حوزه‌های مختلف مانند زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و منتقدان ادبی و سینمایی بوده است.

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در ... ❖ ۱۱

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

نظریه مورد استفاده در این مقاله بازنمایی است. «استوارت هال» در تبیین این نظریه و نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به جهان پیرامون می‌نویسد: «اغلب دانش و شناخت ما از جهان به وسیله رسانه‌ها ایجاد شده و درک ما از واقعیت به واسطه و میانجی‌گری^۱ روزنامه‌ها، تلویزیون، تبلیغات و فیلم‌های سینمایی و ... شکل می‌گیرد. ما با چگونگی بازنمایی پدیده‌ها برای آنها معنی خلق می‌کنیم - با کلماتی که درباره آنها به کار می‌بریم، داستان‌هایی که در موردشان می‌گوییم، تصاویری که برایشان خلق می‌کنیم، عواطفی که به آنها نسبت می‌دهیم، روشی که آنها را دسته‌بندی و مفهوم‌سازی می‌کنیم و ارزش‌هایی که بر آنها می‌نهمیم. در حقیقت رسانه‌ها جهان را برای ما به تصویر می‌کشند و این هدف را با انتخاب و تفسیر خود در کسوت دروازه‌بانی و به وسیله عواملی انجام می‌دهند که از ایدئولوژی اشباع هستند. (فارس، ۱۳۸۸)

آنچه ما به مثابه یک مخاطب از آسیایی‌ها و آفریقایی‌ها، صرب‌ها و آلبانیایی‌تبارها، اعراب و مسلمانان داریم ناشی از تجربه مواجهه با گزارش‌ها و تصاویری است که به واسطه رسانه‌ها به ما ارائه شده است. بنابراین مطالعه بازنمایی رسانه‌ای در مطالعات رسانه‌ای، ارتباطی و فرهنگی بسیار مهم و محوری است. بر این اساس بازنمایی، عنصری محوری در ارائه تعریف [از واقعیت] است». (واتسون و هیل، ۲۰۰۶: ۲۴۸)

در این مقاله سعی بر آن است که پس از تبیین ضرورت تعلیم و تربیت، ارکان، مبانی و اصول این مهم مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت با استفاده از چارچوب نظری ارائه شده، خوانشی را نسبت به سریال اغماء داشته و در نهایت نحوه بازنمایی اصول تربیتی در آن را مورد ارزیابی قرار دهیم.

ضرورت بحث تعلیم و تربیت در دنیای معاصر

نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسانی، بر هیچ خردمندی پوشیده نیست، چرا که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزش‌ها رسانده و اگر غلط افتد، وی

۱۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

را به سرآشویی سقوط بکشاند. علت در این است که آدمی در آغاز ولادتش فاقد علم، ادراک، تربیت و کمال بوده و به تدریج با تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم، استعدادهای بالقوه او به فعلیت می‌رسد و رشد و تکامل می‌یابد.

برخی از متفکران برای برطرف ساختن مشکلات بشری و رسیدن به کمال، سه راه را پیش روی نوع بشر می‌گذارند، این طرق، انقلاب، جنگ و تربیت را در برمی‌گیرد.

۱. اولین آنها، انقلاب است، یعنی تغییری ناگهانی در اوضاع اجتماع. انقلاب کبیر فرانسه و نمونه‌های همانند آن نشان می‌دهد که چه بسا با وقوع انقلاب، حکومتی به مراتب ظالمانه‌تر، نصیب انقلابیون شده، علت در این است که اکثریت انقلابیون، دید ماکیاولی داشته و اعمال هر روشی که آنان را به مقصود برساند، مجاز می‌شمارند (گفتنی است این پدیده در انقلاب‌های دینی به هیچ‌وجه قابل تطبیق نیست).

نکته قابل ذکر اینجاست که در انقلاب‌های دینی چون اسلام، اثبات و اجرای ارزش‌های مطلق چون حکمت و اخلاق انسانی هدف والای این ادیان است. پس می‌توان به این نتیجه رسید که بهترین انقلاب، تحولی است که نخست درون انسانها را در دست گیرد و یا ریشه‌های اصلی را درون انسانها به فعالیت درآورد.

۲. دومین وسیله، جنگ است، «هگل» معتقد است جنگ، سرنوشت عالم را تعیین می‌کند، وی به اعتقاد جنگ عاملی است که می‌تواند آگاهی اجتماعی هر ملت را با حراست از وحدت معنوی آن در برابر هرگونه فردگرایی استحکام بخشد. (جهانبگلو، ۱۳۶۸: ۷۶) امروزه پرواضح است که پس از کشته شدن میلیون‌ها انسان در سده بیستم، باز همان مشکلات قبلی پابرجاست و مسائل دیگری نیز به آنها اضافه شده است. از دید اسلام تنها در شرایطی می‌توان جنگ را تجویز نمود که از آن برای از بین بردن انسان‌نمایی که مخل حیات بشری شده و به خشکاندن آب حیات انسانها اصرار می‌ورزند، استفاده نمود، این همان جهاد مقدس در اسلام است. گفتنی است نباید لزوم ضربه برای هوشیار ساختن انسانها را با لزوم جنگ، یکی دانست.

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در ... ❖ ۱۳

۳. شق سوم تربیت است، وسیله‌ای که بشر را متوجه امکانات خلاق خود می‌کند و حربه بشر برای بقای اوست. در این رابطه، تربیت عهده‌دار دو وظیفه خطیر است: الف) تعدیل احساسات خام و اثبات خطا بودن محتویات غلطی که در مغز انسان جای گرفته است.

ب) قابل پذیرش ساختن ارزش‌های انسانی که پس از انجام مرحله نخستین صورت می‌پذیرد.

با توجه به مطالب فوق می‌توانیم اساسی‌ترین علت ثمربخش بودن تربیت را در قابل پذیرش ساختن طرق مقدمات زندگی و کم اثر بودن آن را در قابل پذیرش ساختن اصول تعالی روحی درک کنیم. علت این نتیجه اسفانگیز این است که شیوه‌های مقدمات زندگی مادی، ضرورت حیاتی بودن خود را از همه جهت برای انسان اثبات می‌کند و او می‌داند که اگر وی این طرق را نداند، از زندگی مطلوب محروم خواهد گشت، پس در پی تعلیم می‌رود، در صورتی که پذیرش اصول تعالی بدان جهت که به گذشتن از هوای نفسانی برای رسیدن به کمال نیازمند است، همانند نیازهای مادی و ملموس، حس انسان را برای به‌دست آوردن آن تحریک نمی‌کند.

ارکان تعلیم و تربیت در دنیای معاصر

مکتب اسلام برای تربیت در تمام مراحل و مقاطع زندگی دستوره‌های ویژه‌ای صادر کرده است تا انسان از کودکی در کانون خانواده و در آغوش والدین، معلم، فرهنگ، محیط و به‌خصوص رسانه‌ها تربیت لازم را ببیند و برای مراحل عالی‌تر انسانی آماده شده و پرورش یابد. نگارنده با توجه به مقدمات مطرح شده همچون ضرورت تعلیم و تربیت در دنیای معاصر و عصر رسانه‌ها، سه رکن را به عنوان چارچوب کلی بحث، بیان می‌دارد.

۱. مبانی تعلیم و تربیت

۲. رسانه‌ها

۳. اصول تربیتی

۱. مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه...

الف) اسلام

مبانی تربیت در بحث مربوط به اسلام در ذیل دو عنوان قابل بررسی است. عنوان نخست، منابع اولیه دین اسلام که بازگوکننده انسان آن چنان که هست و باید باشد، است و مبنای دومی که در نظر گرفته‌اند، شامل اصول و اهدافی است که برای رسیدن به نتیجه پیش‌بینی شده و محتمل به کار گرفته می‌شود و در اینجا منظور اصول و قواعدی است که تربیت بایستی بر مبنای آنها صورت بگیرد که بدان خواهیم پرداخت.

در رابطه با عنوان نخست، باید گفت، این منابع شامل کتاب خدا، سنت نبوی، اجماع دانشمندان و فقهای متقی، وارسته و مهذب، همین طور عقل که چون نقشه راهی است که مسیر تربیت صحیح را نمایش می‌دهد، است.

آنچه که از دید اسلام به عنوان هدف نهایی تربیت معرفی می‌شود، رسیدن به کمال نهایی است که در قرآن تحت عنوان حیات طیبه از نام برده می‌شود. با توجه به آیات قرآنی چون «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» و سخن حضرت امیر(ع) که می‌فرماید هدف از ارسال رسل، برانگیختن خرده‌های مستور در پس پرده غفلت^۱ است، آموختن حکمت و بیداری عقل‌های خفته به منظور رسیدن به حیات طیبه، عنصری حیاتی در تربیت دینی قلمداد خواهد شد.

ب) اندیشمندان

آگاهی از ویژگی‌های روانی و درونی انسان به عنوان عاملی که قرار است بر روی آن اهداف تربیتی انجام شود لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

«من» یا شخصیت یک موضوع ثابت در درون انسان هاست که می‌تواند مدیریت موجودیت

۱. فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیاءه، لیستأدوهم میثاق فطرته و یدکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و ینیروا

لهم دفائن العقول. نهج البلاغه خطبه ۱

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در ... ❖ ۱۵

انسانی را بر عهده بگیرد. «آلپرت»^۱ در تعریف شخصیت می‌گوید: «وحدتی است متحرک و متحدالشکل.» (سیاسی، ۱۳۵۲: ۲۲) بر این اساس تربیت و نتایج آن را نمی‌توان با ذوب کردن و چکش زدن به اشیاء مقایسه نمود. آنچه که در این خصوص با آن رو به رو هستیم، «من» یا شخصیت ثابت انسانی است که طی سالیان سال قوام یافته و اکنون به یک قالب برای وی تبدیل شده است. اینکه چگونه می‌توان برای این «من تثبیت شده» برنامه تربیتی تدوین نمود، موضوعی است که در این قسمت تنها به طرح تعاریفی از اندیشمندان مختلف می‌پردازیم و به هیچ عنوان قصد قضاوت در مورد این تعاریف را نداریم.

- «هربرت اسپنسر»^۲ بر کاربرد علوم تجربی در تعلیم و تربیت تأکید کرده و آن را وسیله‌ای سودمند برای نفع فردی یا اجتماعی در خدمت مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار داده است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ۲۲۰)

- «مطهری» در رابطه با علم‌گرایی محض در امر تربیت که برخی دانشمندان غربی به آن متمسک هستند، می‌نویسد: «امروزه بیشتر صاحب‌نظران دریافته‌اند که علم‌گرایی محض از ساختن انسان ناتوان است. تربیت علمی خالص، نیمه انسان را می‌سازد نه تمام انسان را و محصول این تربیت، ماده خام انسان است، نه انسان ساخته‌شده؛ انسان توانمند و قدرتمند می‌سازد، نه انسان با فضیلت؛ انسان تک‌ساختی می‌سازد، نه انسان چندساختی.» (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۴ - ۳۲)

- «علامه محمدتقی جعفری» در مقاله‌ای به تبیین تعریف «هوراس مان»^۳ از تربیت می‌پردازد: «تنها تربیت می‌تواند ما را به سوی لذتی راهنمایی کند که در عین حال از لحاظ کیفیت بی‌نظیر و از لحاظ کمیت بی‌انتها باشد.» (جعفری، ۱۳۶۳: ۱۰)

- «جان دیویی» یکی دیگر از مفسران تربیتی است. از محورهای بنیادین در اندیشه دیویی می‌توان به مسأله تجربه و تفکر اشاره نمود. از دید وی صرف انباشتن اطلاعات

1. Allport
2. Herbert spencer
3. Horace mann

بی‌روح و بی‌معنی در ذهن، یادگیری و فهم واقعی نیست؛ معنی‌دار شدن از تجربه ناگسسته است. (دیویی، ۱۳۳۹: ۱۰۶ - ۱۰۵) بر این اساس می‌توانیم تربیت را از دیدگاه وی این‌گونه تعریف کنیم که تربیت، نوسازی تجربه است که این به نوبه خود، به هستی ما معنی و مفهوم می‌بخشد و نیز در کسب تجربه‌های بعدی به ما یاری می‌رساند. نگارنده معتقد است این تعریف از تجربه به قدری وسیع است که دایره بسیار گسترده‌ای را در برمی‌گیرد؛ تجربه به همان اندازه که ممکن است در راه‌های خردمندانه به کار رود، به همان اندازه احتمال دارد که در مسیر آزمایش‌های منفی و تبلیغات سوء گرفتار آید و اینکه تجربه‌ای می‌تواند در امر تربیت مفید واقع شود که در مسیر معنی بخشیدن به هستی و وجود انسان قرار گیرد.

- «راغب اصفهانی» که یکی از فحول در زمینه نحو شناخته می‌شود، تربیت را این‌گونه تعریف می‌کند: «الرب فی الاصل التریبه و هو انشاء الشیء حالاً فحالیاً الی الحد التمام» ایجاد شیء برای حالی پس از حالی تا حد تمام. (راغب، ۱۳۷۱: ۱۸۷) نکته مهمی که در این تعریف وجود دارد، کلمه انشاء است، این بدان معنی است کیفیت‌ها و حالاتی که به وسیله تربیت در شخصیت انسان مورد تربیت به وجود می‌آید، در درون انسان سابقه وجودی ندارد و این تربیت است که آن حالات و کیفیات مطلوب را به وجود می‌آورد. گفتنی است که این نظر اگر مربوط به تربیت خداوند درباره بندگان باشد صحیح است، اما در صورتی که در رابطه با انسان باشد، نیازمند توضیح و تفسیر بیشتری است که در این مقال فرصت پرداختن بدان را نداریم.

از عبارت «حالیاً فحالیاً» تدریجی بودن اثر تربیت برمی‌آید که باید مریبان آن را در نظر داشته و با در نظر گرفتن ظرفیت مخاطب به امر تربیتی اقدام نمایند، هرچند در طول تاریخ به طور فراوان جهش‌های ناگهانی داریم که در دگرگون کردن شخصیت، اثر شگفت‌انگیزی داشته‌اند، این دگرگونی‌ها هم از نظر سرعت تأثیر و هم از نظر عمق نفوذ آن به قدری مهم است که اصلاً با قانون تدریجی بودن تربیت، قابل توضیح نمی‌باشد. تحولات انقلابی در

«فضیل بن عیاض»، «حر» و «سنایی» نمونه‌ای از این چنین دگرگونی‌هاست.

نگارنده با جمع تعاریف ارائه شده، تربیت را عبارت از رفع موانع و ایجاد مقتضیات می‌داند، بدین منظور که استعدادهای انسان در جهت مطلوب شکوفا گردد. از همین رو، برای رسیدن بدان، نیازمند رفع موانع و ایجاد مقتضیات، شناخت انسان و ویژگی‌های شخصیتی وی و همچنین بسترسازی در جهت شکوفایی آن می‌باشیم. از آنجا که رسانه‌ها، شکل‌دهنده شناخت، آگاهی‌ها و رفتار مردم هستند، لزوم توجه به امر تربیت از سوی این نهاد بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

۲. ضرورت توجه به رسانه‌ها در بحث تعلیم و تربیت

اصلاح رسانه، از گام‌های اولیه تربیت دینی است. (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۴۲۷) ایشان علت را در این می‌دانند که «صلاح و فساد امور به دست رادیو و تلویزیون است.» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۴۳۲) با توجه به این سخن امام راحل و همین طور با مروری بر تاریخ زندگانی ائمه به وفور می‌توانیم شواهدی را بیابیم که ائمه (ع) شروع کار تربیتی را از نهاد های متولی امر آغاز می‌نمودند. این بیانات گویای این اصل است که برای انجام عمل تربیتی، در ابتدا باید سراغ نهادهای تعلیم و تربیت‌ساز جامعه رفت، با این دید، رسانه به عنوان نهادی که سازنده شخصیت، هویت و حیات جمعی است، اصلی‌ترین و مهم‌ترین دستگاه تربیتی قلمداد خواهد شد. در ادامه با نگاهی اجمالی به برنامه‌های تربیتی سیما، نقاط ضعف این تولیدات را بیان نموده و راهکارهایی را برای بهبود این امور بیان خواهیم نمود.

امروزه به‌خصوص در بعد تربیتی و آموزشی تلویزیون به وضوح شاهد برتری مهارت‌آموزی^۱ بر تربیت^۲ هستیم. در بحث مهارت‌آموزی، مسأله رشد کمال عقلانی و پرورش توان ذهنی انسانها از اصول مهم شمرده می‌شود، اما این کمال، کسب فضایل معنوی، انسانی و ارزشی نیست، بلکه نوعی پذیرش واقعیت و دانستن حقایق می‌باشد. یعنی هدف، آموزش مهارت‌های

1. training
2. education

❖ ۱۸ نامه پژوهش فرهنگی

مورد نیاز، به دنبال تربیت انسانهای ماهر، متخصص و مورد نیاز عصر تکنولوژی و ارتباطات است و برنامه‌های درسی بر محور فن‌گرایانه و در پی تعلیم گسترش و آموزش مهارت در افراد هستند و آنچه مبرهن است خلأ بزرگی به نام علوم انسانی است.

مهارت‌آموزی، اهداف خود را خارج از خودش تعقیب می‌کند، یعنی آنچه که ما به عنوان هدف مهارت‌آموزی تعریف می‌کنیم، هدفی نیست که فی‌نفسه ارزشمند بوده و یا مطلوبیت ذاتی داشته باشد، بلکه در واقع به منظور غلبه انسان بر محیط برای سلطه بر آن، ایجاد شده است. پس در مهارت‌آموزی مطلقاً کسب فضایل معنوی و ارزشی جزء اهداف اصلی قلمداد نمی‌شود و آموزش یکسری مهارت‌ها و توانمندی‌های مورد نیاز صنعت، جامعه و اقتصاد، هدف اصلی ما می‌باشد. اما در تربیت همان‌طور که در مبانی آن بیان کردیم رشد فضایل اخلاقی در افراد و رفع موانع به منظور رسیدن به حیات طیبه، هدف تربیت عنوان شد.

هدف تربیت مدنظر اسلام، رساندن انسان به همان حیات طیبه است، برعکس، حرفه‌آموزی ناظر بر رشد تمامی ابعاد وجود آدمی است. یعنی به دنبال ایجاد تحول در نگرش‌ها، رفتارها، بینش‌ها و همچنین رشد جنبه‌های عقلانی، جنبه‌های گرایشی، فطری و زیبایی‌شناختی وجود آدمی است؛ یعنی ذائقه‌سازی نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای مثبت و بی‌تفاوت بودن نسبت به پستی‌ها و اموری که دارای ارزش منفی می‌باشند. بنابراین حرفه‌آموزی و تربیت اگرچه به صورت الزامی در تضاد با هم نیستند (حرفه‌آموزی می‌تواند در درون تربیت در معنای کلی قرار بگیرد) اما در عمل اهدافی را که تعقیب می‌کنند، آنها را در برابر هم قرار داده است.

خطر اصلی مهارت‌آموزی صرف در این رابطه، این‌گونه تجلی می‌یابد که جنبه‌های ارتباطی، تفاهمی و عاطفی نفی گشته و رفتار انسانها متوجه جنبه‌های ابزاری، عملیاتی و کارکردی خواهد شد. به عبارت دیگر به مرور زمان انسانها از بعد کمالات و فضایل اخلاقی به دورمانده و نوعی انسان تک بعدی تحویل جامعه خواهد شد.

نتیجه‌ای که از این بحث حاصل می‌شود این است که امروزه با سلطه رسانه‌ای، حجم

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در ... ❖ ۱۹

وسیع‌تری از تربیت که مورد تأیید نظام ارزشی، فرهنگی و فلسفی می‌باشد، به این حوزه واگذار گشته و گسست بین آنچه که در نظام‌های آموزشی و تربیتی عرضه شده و آنچه که از طریق رسانه‌ها عرضه می‌شود، موضوعی است که هرچند باعث گسترش فرهنگ‌ها شده و گسترش نظام‌های اخلاقی را در پی دارد، در عین حال می‌تواند تهدیدی جدی نیز برای مسأله تربیت اخلاقی جوامع به شمار آید.

۳. اصول تربیتی از دید امیرالمؤمنین علی(ع) و تطبیق آن با تولیدات رسانه‌ای

در آثار برخی از اندیشمندان تعلیم و تربیت علاوه بر اهداف، از اصول تربیتی نیز یاد می‌شود. بحث درباره اصول تربیتی امری پیچیده است، زیرا برداشت‌های متفاوت و گاه متناقضی از اصول تربیت وجود دارد. گاه به معنای گزاره‌های تجویزی کلی که راهنمای فعالیت‌های تربیتی است (باقری، ۱۳۸۷: ۱۴) یا به معنای اصول موضوعه‌ای است که از جهان‌بینی، ایدئولوژی و علوم دیگر برخاسته است. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۴: ۴۷)

در حقیقت اصول یکسری گزاره‌های تجویزی است که مفاد آنها در تمام مؤلفه‌های تربیت جاری می‌شود، برنامه‌ریزی‌های تربیتی، به‌خصوص در عرصه رسانه با توجه به آنها صورت می‌گیرد و اقدامات تربیتی نیز براساس این نوع گزاره‌های تجویزی هدایت‌کننده، اجرا و ارزشیابی می‌شود.

اصول ناظر بر امر تربیت از جانب رسانه‌ها در دو بعد قابل بررسی است؛

۱. ناظر به تولیدات رسانه‌ای

از آنجا که تعلیم و تربیت ناظر به مجموعه‌ای از فعالیت‌های عمدی و هدفمند است که توسط جامعه صورت می‌گیرد، تضمین صحت و دقت فعالیت‌های تربیتی در گرو وجود یکسری اصول راهنماست. این اصول گزاره‌هایی هستند که سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، و اقدامات تربیتی را هدایت کرده، بر آنها نظارت داشته و هماهنگی میان آنها را بر عهده دارند. «آنچه که در بحث اصول ناظر به برنامه تربیتی مورد اهمیت است، تعیین اولویت‌های

۲۰ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

تربیتی، تنظیم نوع و میزان فعالیت‌های یادگیری، پیش‌بینی فرصت‌های مناسب تربیتی، انتخاب محتوای آموزشی، به‌کارگیری روش‌های تربیتی، شناسایی عوامل مداخله‌گر، تعیین شاخص‌ها و شیوه‌های ارزشیابی، تعیین رویکردهای کلان آموزشی و شیوه‌های تخصیص منابع و غیره خواهد بود.» (علم الهدی، ۱۳۸۸: ۴۷۹)

ما باید به دسته‌ای از سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی تن دهیم و آنها را به گونه‌ای ساماندهی کنیم که در نهایت زمینه شناخت یادگیرندگان را از موقعیت خویش حساس نماید و مانع از غفلت آنها شود. همچنین این اقدامات تربیتی باید بتواند در یادگیرندگان رغبت به اصلاح موقعیت، ساماندهی محیط طبیعی، روابط اجتماعی و ساماندهی خود را پدید آورد و هرگونه ساختار یا جریان عملی که در تعارض با این اهداف باشد لازم است بازسازی یا طرد شود.

در این اصول، رسانه‌ها با قالب‌های خاص خود پذیرای نوع خاصی از تربیت بوده و لوازم و اقتضائات خاصی چون گسست از مکان، گسست از شخصیت مری، فقدان ظرفیت‌سنجی تعاملی، تولید انبوه و یکسان پیام تربیتی و عدم امکان گفت‌وگویی مستقیم را در درون خود می‌پروراند. اصول مطرح در این زمینه بیشتر متمرکز بر بعد درونی انسانها چون تفکر و تعقل خلاق و تلاش در جهت شکوفایی ظرفیت درونی انسانها، به منظور رسیدن به حیات طیبه خواهد بود.

نخستین اصلی که در این مدخل قصد پرداختن بدان را داریم، اصل شناخت است.

- اصل شناخت: یادگیرندگان باید در ضمن فعالیت‌های یادگیری، به تفسیری از هستی برسند که تمام موجودات را به یک معنا فرا بگیرد. آنها باید ارزش هستی و حیات خود را ارج دانسته و نسبت به صرف آن به بهترین شکل تلاش نمایند. یادگیرندگان باید قبل از هر چیز با عوامل تهدیدکننده حیات خویش آشنا شده و راه‌های گریز از آن را پیدا نمایند.

با توجه به تعالیم «امیرالمومنین علی» (ع) مهم‌ترین عاملی که مانع شناخت حقیقی انسان

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در ... ❖ ۲۱

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

از هستی و درک چگونگی آفرینش می‌شود، دنیای نکوهیده است. ایشان بین دنیای نکوهیده با دنیای ممدوح که مزرعه آخرت است، تمایز قائل می‌شوند و بهترین زمینه شناخت به منظور رسیدن به کمال نهایی را دریافتی درست از دنیا و تصحیح بینش آدمی و گسستن از پستی‌ها معرفی می‌نمایند: «همانا دنیا نهایت دیدگاه کوردلان است، که آن سوی دنیا را نمی‌نگرند، اما انسان آگاه، نگاهش از دنیا عبور کرده از پس آن سرای جاویدان آخرت را می‌بیند، پس انسان آگاه به دنیا دل نمی‌بندد و انسان کوردل تمام توجه‌اش دنیاست، بینا از دنیا زاد و توشه برگیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم می‌کند.»^۱

– **اصل تعقل:** در این اصل تربیتی، مخاطب در پی زمینه‌ای است که قدرت غربال‌کنندگی عقل شکوفا گردد و بتواند حق را از باطل و خیر را از شر و راه را از بیراهه، تمییز دهد.

این نوع تربیت که مبتنی بر تعقل باشد، خود بهترین زمینه فراهم نمودن پاکی و پاکدامنی راستی و راست روی است و بر این اساس مهم‌ترین ثمره‌ای که رسانه‌ها می‌توانند در تربیت عقلانی، به بار بیاورند آزادگی و رهایی از دنیای نکوهیده^۲ و سلوک و دین‌مداری در راه حق خواهد بود. جلوه‌های اجتماعی، سیاسی و مدیریتی تربیت عقلانی، نرمی و مدارا در مناسبات، روابط، تدبیر نیکو و بهره‌برداری از انعطاف‌های اصولی و دوری از تنگ‌نظری، سخت‌دلی و خشک‌مغزی خواهد بود.^۳ در این نوع از تربیت، سیر دادن آدمی از خودبینی به خدابینی و از خودخواهی به خداخواهی، مهم‌ترین هدف تلقی می‌شود.

– **اصل تفکر:** اصل تفکر بیان این مهم است که انسان به عنوان موجودی متفکر و اندیشمند ظرفیت رسیدن به جایگاه انسان کامل و سعادت واقعی را دارد، مادامی که با اندیشه

۱. و إنما الدنيا منتهى بصر الأعمى، لا يبصر مما وراءها شيئاً، و البصير ينفذها بصره، و يعلم أن الدار وراءها. فالبصير منها

شاخص، و الأعمى إليها شاخص، و البصير منها متزود، و الأعمى لها متزود- نهج البلاغه خطبه ۳۳

۲. ثمرة العقل مقت الدنيا و قمع الهوى

۳. ثمرة العقل مداراة الناس

۲۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

زندگی کند و با به‌کار گرفتن اصل تفکر، موانع و مقتضیات رسیدن به آن را بررسی نماید. آنچه که در اسلام درباره بزرگداشت تفکر دیده می‌شود، در دیگر ادیان و نظام‌های اجتماعی و برنامه ریزی‌های انسانی در عرصه پرورش و آموزش، دیده نمی‌شود. در اسلام اندیشیدن، زندگی دل‌بینا معرفی می‌شود. (الکافی، ۱۳۳۹ ش: ۲۸)

اینکه در تربیت اسلامی رسانه‌ها باید القاکننده چه محتوایی برای تفکر باشند، در بیانات امیرالمؤمنین علی (ع) بیان شده است که این موارد شامل: خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و تاریخ‌شناسی است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸: ۲۷۵) حضرت، تفکر در اسماء و صفات حق را والاترین و مهم‌ترین عرصه تفکر معرفی می‌نمایند. «امام خمینی» (ره) درباره اهمیت مرتبت چنین تفکری می‌نویسند: «اول، تفکر در حق و اسماء و صفات اوست... و این افضل مراتب فکر و اعلا مرتبه علوم و اتقن مراتب برهان است، زیرا که از نظر به ذات علت و تفکر در سبب مطلق، علم به او و مسببات و معلومات پیدا شود و این نقشه تجلیات قلوب صدیقین است و از این جهت آن را برهان صدیقین گویند.» (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۱۹۲ - ۱۹۱)

در حقیقت همه چیز آدمی در بستر اندیشه توحیدی اصلاح می‌شود و شناخت حق، اسماء، صفات و کمالات او، راه حقیقت هستی و انصاف به کمالات الهی است. مرتبه دوم، تفکر در انسان و شناخت حقیقت آدمی است. شناخت انسان در نظام تربیت، بحثی اساسی و مبنایی است، زیرا موضوع تربیت، انسان است و بدون دریافتی درست از انسان و جامعیت او و همچنین بدون شناخت استعدادها، شگفت و مراتب وجودش، نمی‌توان به برنامه‌ای درست و جامع دست یافت و تربیتی بسامان را پایه گذاشت. در حقیقت نوع شناخت انسان، نوع نظام تربیتی را معین می‌کند و هرگونه که انسان شناخته شود، براساس همان شناخت، رفتارها، اقدامات و برنامه‌های تربیتی شکل می‌گیرد. گرایش‌ها، ارزش‌ها و روش‌های تربیتی همه بر مبنای نوع نگرش به انسان و چگونگی دریافت او سامان می‌یابد. از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) شناخت انسان و جایگاه او چنان مهم تلقی شده که آن حضرت فرموده است: «عالم کسی است که قدر منزلت خود را بداند و برای جهل انسان همین بس

که قدر منزلت خود را نشناسد.»^۱

تولیدات رسانه‌ای در ارائه این اصل می‌بایست انسانی را به نمایش گذارند که خداوند برای او تمامی آنچه که در زمین و آسمان است، رام ساخته^۲ و وی را مسجود فرشتگان قرار داده، به عبارتی دیگر رسانه‌ها باید معرف انسان کامل بوده و به نوعی اقدام به الگوسازی^۳ برای مخاطب براساس ویژگی‌های انسان کامل نمایند؛ یعنی شرایطی را فراهم نمایند که مخاطب با میل درونی و از روی نیاز، الگوهای مورد نظر خود را در جامعه و در محیط آموزشی و پرورشی خود کشف کند.

جهان‌شناسی سومین عرصه برای تفکر آدمی و شناخت هستی و اصلاح رابطه خود با طبیعت و بهره‌گرفتن درست از آن در جهت سیر کمالی است. امیرالمؤمنین علی(ع) مکرر به تفکر و سیر در این عرصه سفارش نموده و نتایج ارزنده‌ای را نیز برای آن برمی‌شمارند: «اگر مردم در عظمت قدرت خدا و بزرگی نعمت‌های او می‌اندیشیدند، به راه راست بازمی‌گشتند و از آتش سوزان می‌ترسیدند، اما دل‌ها بیمار و چشم‌ها معیوب است. آیا به مخلوقات کوچک خدا نمی‌نگرند که چگونه آفرینش آن را استحکام بخشید؟ و ترکیب اندام آن را برقرار و گوش و چشم برای آن پدید آورد و استخوان و پوست متناسب خلق کرد؟ به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید، که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود...»^۴

امروزه رسانه‌ها باید زمینه‌ساز تفکر در عرصه‌های نام برده باشند، این زمینه‌سازی، تنها

۱. العالم من عرف قدره و كفى بالمرء جهلاً الا يعرف قدره - نهج البلاغه خطبه ۱۰۳

۲. وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

۳. یادگیری الگویی (learning by modeling)، این نوع یادگیری در سال‌های اخیر مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است این نوع یادگیری را گاهی «یادگیری مشاهده‌ای»، یادگیری با تقلید، یادگیری جانشین و یا یادگیری انطباقی می‌نامند (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۶: ۱۶۵)

۴. ولو فكروا في عظيم القدرة، و جسيم النعمة، لرجعوا إلى الطريق، و خافوا عذاب الحريق، و لكن القلوب غليظة، و الأبصار مدخولة! ألا تظنون إلى صغير ما خلق الله، كيف أحكم خلقه، و أثنى تركيبه، و فلق له السمع والبصر، و سوى له العظم و البشائر! انظروا إلى النملة في صغر جنتها، و لطافة هيئتها، لا تكاد تنال بلحظ البصر، و لا بمستدرک الفكر، نهج البلاغه خطبه ۱۸۵

۲۴ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

با تولید برنامه‌های گوناگون و متنوع تحقق نمی‌یابد، بلکه در برخی مواقع عدم ورود رسانه در آن عرصه زمینه ایجاد تفکر را فراهم می‌آورد. در آیه ۸ سوره انشراح آمده است «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» یعنی در زمان فراغت است که انسان می‌تواند تفکر کرده و به خدا توجه پیدا کند. پس به نظر می‌رسد رسانه‌ها تنها با ورودشان، عامل تربیت به حساب نمی‌آیند، بلکه گاهی اوقات با عدم ورود، زمینه‌ساز شکوفایی اصل تفکر خواهند بود.

از عرصه‌های دیگر تفکر که امام علی (ع) بر آن تأکید نموده است، تاریخ‌شناسی و دقت در تحولات تاریخی و دریافت سنت‌های تاریخی است. توجه قرآن و احادیث به تاریخ، نقل صرف رویدادهای گذشته نیست، بلکه اساساً، ارائه شواهدی از تجارب انسان گذشته برای پندگرفتن و یافتن راه درست زیستن است. بدین‌سان قرآن، قوانین و سنن حاکم بر زندگی نوع بشر را که اختصاص به گذشته ندارد، به پیروان خود می‌آموزد. این آموزه‌های قرآنی درباره تاریخ و تاریخ‌آموزی، در کلام پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) به‌روشنی نمایان است. امیرالمؤمنین علی (ع) بدین نوع از تفکر این‌گونه تأکید نموده‌اند: «خدا هرگز جباران دنیا را در هم نشکست، مگر پس از آنکه مهلت‌های لازم و نعمت‌های فراوان بخشید و هرگز استخوان شکسته ملتی را بازسازی نفرمود، مگر پس از آزمایش‌ها و تحمل مشکلات، مردم! در سختی‌هایی که با آن روبرو هستید و مشکلاتی که پشت سر گذاردید، درس‌های عبرت فراوان وجود دارد، نه هر که صاحب قلبی است، خردمند است، و نه هر دارنده گوشه‌ای، شنواست و نه هر دارنده چشمی، بیناست...»^۱

کمترین نتیجه‌ای که شناخت تاریخ و عبرت‌آموزی از حوادث آن، برای یادگیرنده به ارمغان می‌آورد، شناسایی نقاط قوت و ضعف دور آنها به منظور افزایش بصیرت نسبت به حقایق تاریخی و به عبارتی دیگر آینده‌نگری خواهد بود.

۱. فإن الله سبحانه، لم يقصم جبارة دهر، قط إلا بعد تمهیل ورخاء و لم يجبر عظم أحد من الأمم، إلا بعد أزل و بلاء و فی دون ما استقبلتم من عتب و استدبرتم من خطب، معتبر! و ما كل ذی قلب بلیب و لا كل ذی سمع بسمیع و لا كل ناظر بصیر. نهج البلاغه خطبه ۸۵

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در ... ❖ ۲۵

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

بدین ترتیب در مدرسه تربیتی امام علی(ع) تأکیدی شگفت بر تعقل و تفکر در عرصه های گوناگون در جهت شکوفایی استعدادها به سوی کمال مطلق مشاهده می شود که بیانگر راه و رسمی نیکو در پرورش انسانهاست.

- اصل تدرج و تمکن: تربیت امری تدریجی و مرحله به مرحله است که براساس توانایی، جایگیری و پابرجایی صورت می پذیرد. لازم است در برنامه ریزی های تربیتی الگوهای تغییرات تدریجی و پیوسته متعلمان شناسایی شود و براساس این الگوها، فرصت ها و فعالیت های یادگیری تدارک دیده شود. در روایتی از امام علی(ع) در رابطه با تدریجی بودن اصول تربیت دینی آمده است: «دعوت کنید ولیکن عجله نکنید، زیرا با اجبار و عجله و درشت گویی، حجت های الهی اقامه نمی شوند و برهانهای خداوند آشکار و عیان نمی گردد.»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۱) همچنین ارزشیابی و دسته بندی یادگیرندگان باید با توجه به تغییرات زیست شناختی، روان شناختی، جامعه شناختی و توأم با ملاحظه اثرات متقابل آنها بر یکدیگر، مورد توجه واقع شود.

تربیت موفق، تربیتی است که مراتب انسانها و تفاوت آنها را به درستی درمی یابد و در برنامه ریزی و عمل لحاظ می کند. مخاطب شناسی و شناخت ویژگی ها، ظرفیت ها و خصوصیات مخاطبان از مهم ترین وظایف تولیدکنندگان رسانه ای است. آنچه که در این رابطه بیش از پیش نمود پیدا می کند، تولید برنامه هایی در زمینه تربیت دینی است. نمایش داستان ذبح «حضرت اسماعیل»(ع) توسط پدرش «حضرت ابراهیم» چه تصویری را در ذهن کودکانی که هنوز تفکر انتزاعی وی شکل نگرفته، به وجود خواهد آورد؟ مسلماً وی با این سوال که این چه پدری است که می خواهد با چاقو سر پسر خود را ببرد، مواجه خواهد شد. بنابراین تدریجی بودن تربیت، بدین معناست که باید متناسب با تفکر مخاطبان نسبت به امور، برنامه تربیتی را تولید و تدوین نمود.

نکته دیگر توجه به تمکن است. انتظارات تربیتی باید انتظارات واقعی باشد تا تربیت،

۱. دعوه و لا تعجلوه فإن الطیش لا تقوم به حجج الله ولا به تظهر براهین الله

۲۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

امکان عملی شدن بیابد. امام علی (ع) در نامه‌ای به «عثمان بن حنیف»، کارگزار خود، او را به سبب حضور در مجلس مهمانی یکی از اشراف بصره که مجلسی غیرمردمی و طبقاتی بوده، توبیخ نموده است. (الهاشمی الخوئی، ۱۴۰۳: ۹۳ - ۹۱) ایشان حقیقت تربیتی را چنین یادآور می‌شود «آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید.»^۱

امیرالمؤمنین علی (ع) در عین آنکه عثمان بن حنیف را به پیروی از سیرت خود می‌خواند و سلوک شخصیتی خود را بدو یادآور می‌شود؛ واقعیت‌های تربیتی را نیز به وی گوشزد می‌کند تا آرمان‌خواهی را با واقع‌بینی جمع نماید و براساس اصل تمکن عمل نماید. رسانه‌ها نیز باید با دیدی آرمان‌خواهانه هدف خود را تربیت افراد جامعه به منظور رسیدن به حیات طیبه آماده نموده و از سوی دیگر با شناخت ویژگی‌های مخاطب، برنامه‌های خود را براساس واقعیت جامعه تولید و تهیه نمایند.

- اصل اعتدال: برنامه‌ها، سیاست‌ها، رفتارها و عملکردهای تربیتی در صورتی راهبر به سوی اهداف یاد شده است که تابع اعتدال باشد و از حد وسط و مرزهای اعتدال دور نگردد و به افراط و تفریط کشیده نشود. تربیت فطری، تربیتی معتدل است و جز براساس برنامه‌ای معتدل نمی‌توان راه تربیت حقیقی را هموار کرد و استعدادهای انسان را در جهت کمال مطلق شکوفا نمود. مربی زیرک و دانا و راهنمای فهیم و توانا کسی است که مرزهای اعتدال را بشناسد و تربیت، مدیریت و سیاست خود را در آن مرزها سامان دهد و به هیچ‌وجه به افراط و تفریط میل نکند، به بیان امام علی (ع) «علیک بالقصد فی الامور، فمن عدل عن القصد جار و من اخذ به عدل.»^۲

۱. ألا و إن لكل مأموم إماماً، يقتدى به، ويستضيء بنور علمه. ألا و إن إمامكم قد اكتفى من دنياه بطمريه، و من طعمه بقرصيه.

ألا و إنكم لاتقدرون على ذلك و لكن أعينوني بورع و اجتهاد و عفة و سداد. نهج البلاغه نامه ۴۵

۲. غررالحکم ج ۲: ۲۰

به طور کلی عدالت آموزشی مقتضی ملاحظه تغییرات و تفاوت‌هاست. یعنی تغییرات مشابه و خصایص مشترک، ملازم با برنامه‌های مشابه تربیتی و برابری آموزشی است. ولی تغییرات و ویژگی‌های متفاوت، مقتضی برنامه‌های غیرمشترک و نابرابری آموزشی است. بنابر اصل اعتدال، باید در تولیدات رسانه‌ای دو برنامه عمومی و خاص تربیتی داشته باشیم. بدون شک اصرار بر آموزش برابر که منجر به یکسان‌سازی و استیلای یک فرهنگ بر دیگران می‌شود، رقابت میان فرهنگی را نیز دامن می‌زند و ممکن است زمینه خشونت را افزایش دهد. در حالی که توجه به عدالت به عنوان یک اصل راهنما در برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تنظیم فرصت‌ها و فعالیت‌های تربیتی، می‌تواند تزاخم منافع و محدودیت منابع را با کمک آموزش فضایل جبران کند.

۲. اصل ناظر بر مخاطبان تولیدات تلویزیونی

مهم‌ترین اصل در رابطه با مخاطبان، آمادگی آنان در برابر هیجه عظیم برنامه‌های تلویزیونی است که از آن در ادبیات ارتباطات تحت عنوان سواد رسانه‌ای^۱ نام می‌برند. سواد رسانه‌ای در کنار آموختن خواندن ظاهر پیام‌های رسانه‌ای از رسانه‌های مختلف، می‌کوشد خواندن سطرهای نانوخته رسانه‌های نوشتاری، تماشای پلانهای به نمایش درنیامده و یا شنیدن صداهای پخش نشده از رسانه‌های الکترونیک را به مخاطبان بیاموزد. (کانسیداین، ۱۳۷۹: ۳ - ۲ و پاتر، ۱۳۶۸: ۱۶) این نوع نگاه به محصولات رسانه‌ای در ادبیات دینی نیز به شکل بسیار زیبایی نمود پیدا کرده، اینکه در قرآن آمده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ، انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد!» یعنی نگاه بکند، چه، از راه گوش و چشمش وارد می‌شود و چه کسی و با چه هدفی آن را ساخته؟ به عنوان مثال اگر مردم بخواهند یک محصول هنری را مصرف کنند از آنجا که این محصولات عادت دارند از ناخودآگاه انسان وارد شده و انسان را تحت تأثیر پیام خود قرار دهند، از همین رو توجه و شناخت نسبت به

محصولات، تولید کننده و هدف تولید آن ضروری به نظر خواهد رسید.

- خوانش سریال تلویزیونی اغماء با تکیه بر نظریه بازنمایی

در این خوانش سعی شده است، چگونگی بازنمایی اصول تربیتی مطروح شده در سریال تلویزیونی اغماء مورد ارزیابی قرار گیرد. از همین رو ابتدا خلاصه‌ای از فیلم به همراه نقدهایی توضیح داده شده و سپس سکانس‌هایی از فیلم که منطبق با اصول نام برده شده است، بیان می‌شود. گفتنی است که این نگاه به هیچ عنوان حاکی از آن نیست که این سریال بدون نقص بوده است اما از آنجا که هدف ما نقد و بررسی سریال نیست و تنها یافتن مصداق‌هایی برای اصول نام برده است، از همین رو بر روی نقاط مثبت سریال تمرکز بیشتری نموده‌ایم.

خلاصه فیلم

موضوع این فیلم مربوط به پزشکی متخصص است که پس از ابتلای همسرش به تومور مغزی، تصمیم می‌گیرد عمل جراحی را شخصاً بر عهده بگیرد، اما عمل، موفقیت‌آمیز نبوده و همسر «دکتر پژوهان» از دنیا می‌رود. پس از مرگ همسر، طه، دچار بحران روحی شدید شده و تصمیم می‌گیرد به باغی در خارج شهر برود. در آنجا مردی به نام «الیاس» نزد وی می‌آید. الیاس که دوست و محبوب طه (دکتر پژوهان) بود کم‌کم زمینه آرامش روحی او را فراهم می‌کند. الیاس که به نظر فردی بسیار مؤمن و دلسوز می‌نماید با پیشگویی‌هایش، اعتماد پژوهان را به خود جلب می‌کند و این اعتماد به حدی می‌رسد که وی در پشت سر الیاس نماز می‌گذارد، اما غافل از اینکه الیاس همان شیطان است. از سویی دیگر، در مقابل پژوهان که دچار تدلل روحی شده و شیطان او را احاطه می‌کند، «پیربابا» شخصیتی است که شیطان هرگز نمی‌تواند بر او سلطه پیدا کند و در نهایت منجر به نجات دکتر پژوهان از دام شیطان می‌شود.

آنچه که در این داستان بیش از پیش خودنمایی می‌کند، غفلت از تأثیر منفی «شک در ایمان» است. سردرگمی که این‌گونه سریال‌ها در اذهان مخاطب ایجاد می‌کنند، این است که

در نهایت ممکن است همه، از نتایج شک در وجود خدا مطلع شوند، اما کسی به نتایج مخرب شک در ایمان پی نمی‌برد. وقتی تکلیف انسان با ایمان معلوم نباشد، نداند هر عملی که هر لحظه انجام می‌دهد و هر چه به ذهنش خطور می‌کند، القاء شیطان است یا نه، این خطر وجود دارد که دنباله ایمان را رها کند و خود را به دست حوادث بسپارد. وقتی دشمن بیش از آن چه هست قوی و پرزور نشان داده شود، جبهه خودی ضعیف و سردرگم می‌شود. در جبهه جهاد با نفس اگر در یک طرف شیطان قرار دارد، در طرف دیگر انسان به همراه خدا ایستاده و این قدرت عظیمی است.

یکی از نقاط ضعف سریال، قدرت بیش از حدی بود که کارگردان به الیاس داده بود، کسی که می‌تواند از آینده خبر دهد؛ پیش‌بینی کند و حوادث را رقم بزند. این در حالی است که شیطان فقط می‌تواند با وسوسه‌ها و القائات خود (انعام آیات ۲۷ و ۱۲۱، حج، آیه ۵۳، مؤمنون، آیه ۹۷، فصلت، آیه ۳۶، سوره نساء آیه ۱۲۰، سوره اسراء آیه ۶۴) و آراستن اعمال نزد انسان (سوره نحل آیه ۶۳: به خدا سوگند به سوی امت‌های پیش از تو پیامبرانی فرستادیم، اما شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست، عنکبوت، آیه ۳۸، نمل، آیه ۲۴، محمد، آیه ۲۵) و سرگرم کردن به آرزوها، وعده‌ها (نساء، آیه ۱۲۰: شیطان به آنها وعده‌ها می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد در حالی که جز فریب و نیرنگ به آنها وعده نمی‌دهد، محمد، آیه ۲۵، اسراء، آیه ۶۴) و فتنه و فساد در صحبت کردن انسانها (سوره اسراء آیه ۵۳: به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشد چرا که شیطان میان آنها فتنه و فساد می‌کند همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده) می‌تواند نفس انسان را به انجام اعمال زشت و گناه آمیز سوق دهد.

از مجموعه آیات و روایات بر می‌آید که شیطان یک سیطره و سلطه تکوینی بر انسانها ندارد و تا خود انسان بستری را برای شیطان فراهم نکند، شیطان نمی‌تواند بر او سلطه پیدا کند و تا خود انسان با اراده خود رهبری شیطان را نپذیرد، شیطان بر او سلطه‌ای نخواهد یافت. بنابراین شیطان بر انسانهایی که به خدا ایمان دارند و بر او توکل می‌کنند، نمی‌تواند

۳۰ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

سلطه داشته باشد. در سریال اغماء حُجُب دکتر پژوهان است که باعث می‌شود، شیطان بر او تسلط پیدا کند.

در رابطه با اینکه شیطان چگونه و در چه مراحل می‌تواند بر انسان مسلط شود، باید گفت یکی از راه‌های نفوذ شیطان، تسویل است که به خوبی در این سریال نشان داده شد. در تسویل اتفاقی که می‌افتد این است که، انسان دیگر مستقیماً به بدی دعوت نمی‌شود، شیطان در این روش زشتی و بدی را با نقاب خوبی‌ها و با چهره‌ای حق‌نما به انسان معرفی می‌کند. درک این روش و این حيله شیطان، کار بسیار سختی است و عموماً در روش تسویل، شیطان از افعال وارد نمی‌شود، بلکه از افکار وارد می‌شود در ادامه به سراغ افعال و خُلقیات می‌رود.

دقت در اصول تربیتی مطرح شده همچون اصل شناخت، تفکر، تعقل و اعتدال، گویای این حقیقت است که مخاطبان باید ارزش هستی و حیات خود را ارج دانسته و نسبت به صرف آن به بهترین شکل تلاش نمایند. یادگیرندگان باید قبل از هر چیز با عوامل تهدیدکننده حیات خویش آشنا شده و راه‌های گریز از آن را پیدا کنند. آگاهی از فناپذیری زیست دنیوی، ایمان به بقای انسان در زندگی اخروی همراه با ملاحظه دنیا به عنوان ابزار مقدمه و مزرعه آخرت مقتضی معنای خاصی از شناخت است که در گستره‌ای بسیار وسیع‌تر از دنیای مادی و اجتماعی ما قابل تعریف است.

در اصل تفکر آنچه که در این سریال بازنمایی شد، این‌گونه بود که الیاس از طریق افعال و کردار وارد نشد، بلکه با ورود به افکار دکتر پژوهان و القای این سخن که تو از برگزیدگانی و این امور مربوط به عوام است، زمینه‌سازی تغییر رفتار دکتر پژوهان را فراهم آورد. از سوی دیگر در این سریال شاهد آن هستیم که هر زمان دکتر پژوهان نسبت به اعمال و رفتار الیاس شک می‌کرد، الیاس با حضور خودش، مانع ادامه تفکر وی می‌شد. نکته تربیتی که کارگردان در این نوع سکانس‌ها قصد دارد مخاطب را با آن آشنا سازد، این اصل است که:

«تفکر ساعة، افضل من عبادة سبعین الف سنة.»

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در ... ❖ ۳۱

❖ سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۸۹

در نهایت و در توضیح اصل اعتدال در برنامه‌های تلویزیونی باید گفت چند سالی است که در ایام ماه مبارک رمضان سریال‌های ۲۸ قسمتی با موضوع شیطان و فریب انسانهای متدین، وارد عرصه تولیدات سیما شده است، هر چند نفس تذکر و یادآوری به انسان که شیطانی در کمین اوست مفید و مؤثر خواهد بود، اما اگر تولید این نوع سریال‌ها از حد اشباع بگذرد، نتیجه معکوس خواهد داشت و ابزارهای تربیتی به ضد تربیتی بدل می‌شوند. تکرار بیش از حد پیام، چه بسا موجب عادی‌شدگی، ناشنوایی شنوندگان و حتی ملال بیشتر می‌شود. بنابراین تولید چنین سریال‌هایی به طور مداوم، نه تنها در تحقق اصول مطرح شده یاری‌رسان نخواهد بود، بلکه در طولانی مدت منجر به عادی‌شدن این موضوعات در منظر مخاطب تلویزیونی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

از مطالب مطرح شده می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که رسانه‌های جمعی با قابلیت همگانی‌شدن و امکان دسترسی آسان از مظاهر تحول این صنعت در عصر حاضر به شمار می‌روند. نظر به اینکه از طرفی حوزه‌های معرفتی و علمی بسیار وسیع بوده و به‌کارگیری روش‌های صرف تقلیدی در نقل و انتقال معارف توسط نظام رسمی تعلیم و تربیت مؤثر نبوده و بر تمام ابعاد جوانب امر پوشش کافی ندارند؛ بنابراین کمک گرفتن از دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌ها برای تحکیم فرایند تعلیم و تربیت و تعمیق آن در زمینه‌های مختلف و حوزه‌های علمی، فنی و اخلاقی در خارج از محیط تربیتی بیش از پیش ضروری خواهد بود.

ویژگی‌های مهم عصر معاصر، مسأله نسبی‌گرایی و کثرت‌گرایی است. این ویژگی‌ها نوع نگاه به تربیت را دچار دگرگونی کرده و مهارت‌آموزی را در رسانه‌ها جایگزین تربیت اسلامی نموده است. توجه به نتایج حاصل در این نوع تربیت، چالش‌هایی را برای تربیت اسلامی به وجود آورده است.

۳۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

توجه به اصول ناظر بر تولیدات تلویزیونی، که بیشتر متمرکز بر بعد درونی انسانها چون تفکر، تعقل خلاق و تلاش در جهت شکوفایی ظرفیت درونی انسانها به منظور رسیدن به حیات طیبه بود و همچنین اصول ناظر بر مخاطبان که در حقیقت آموزش نوعی سواد رسانه ای به مخاطب برای مقابله با حجم عظیم تولیدات رسانه ای است، می تواند برای برنامه سازان تلویزیونی معرف نوعی الگو بوده و به نوعی، منظر وسیع تری را پیش روی تولیدکنندگان برنامه های تربیتی قرار دهد.

پی نوشت

- اغماء نام سریالی است به کارگردانی سیروس مقدم که در ماه مبارک رمضان از شبکه یک سیما جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۸ پخش شد.

منابع و ماخذ

- ابراهيم زاده، عيسى (۱۳۸۴)، «فلسفه تربيت»، تهران، دانشگاه پیام نور.
- الراغب الاصفهاني، ابوالقاسم الحسين بن محمد (۱۳۷۳)، «المفردات في غريب القرآن»؛ تهران، مرتضوى.
- الهاشمى الخوئى، حبيب الله (۱۴۰۳)، «منهاج البراعة في شرح النهج البلاغه»؛ الطبعة الثانية، ج ۲۰، بيروت، مؤسسه الوفاء.
- باقرى، خسرو (۱۳۸۷)، «بررسی نظام ارزشی و اعتقادی در جمهوری اسلامی ایران و تدوین مبانی فلسفه برنامه‌ریزی درسی متناسب با آن»؛ تهران، مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی.
- پاتر، جیمز (۱۳۶۸)، «تعريف سواد رسانه‌ای»؛ مترجم، لیدا کاووسی، فصلنامه رسانه.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۳)، «تربیت در نهج البلاغه (۵)»؛ نشریه رشد معلم.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۳)، «تربیت در نهج البلاغه»؛ نشریه رشد معلم.
- جهاننگلو، رامین (۱۳۶۸)، «انقلاب فرانسه و جنگ از دیدگاه هگل»؛ تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰)، «صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)»؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰ش)، «شرح غررالحکم و درر الکلم با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی»؛ چاپ سوم، دانشگاه تهران.
 - دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، «فلسفه تعلیم و تربیت ج ۱»؛ تهران، سمت.
 - دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۸)، «ماه مهرپرور»؛ تهران، خانه اندیشه جوان.
 - دیوبی، جان (۱۳۳۹)، «دموکراسی و تعلیم و تربیت»؛ مترجم امیر حسین آریانپور، تبریز، دانشسرای پسران.
 - سایت اینترنتی <http://www.farsnews.com> (آخرین دسترسی ۱۷ اسفند ۱۳۸۸) مقاله بازنمایی.
 - سیاسی، علی اکبر (۱۳۵۲)، «روان‌شناسی شخصیت»؛ تهران، وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
 - شعاری نژاد، اکبر (۱۳۶۶)، «مبانی روان‌شناختی تربیت»؛ تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 - طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۱)، «المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲»؛ مترجمان سهیلا دین پرور و محمد علی لسانی فشارکی؛ تهران، نشر فرهنگ قرآن.
 - علم الهدی، جمیله (۱۳۸۸)، «نظریه اسلامی تعلیم و تربیت»؛ تهران، دانشگاه امام صادق.
 - قاسمی، طهمورث (۱۳۶۸)، «سواد رسانه‌ای رویکردی جدید به نظارت»؛ فصلنامه رسانه.
- قرآن کریم**
- کلینی، محمد بن یعقوب، مصحح علی‌اکبر غفاری (۱۳۳۹ش)، «اصول کافی»؛ ج ۱، حدیث علوی، تهران، مکتب الصدوق.
 - کانسیداین، دیوید (۱۳۷۹)، «درآمدی بر سواد رسانه‌ای»؛ مترجم: ناصر بلینغ، تهران، اداره کل تحقیق و توسعه صداوسیما.
 - مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)، «بحار الانوار»؛ تحقیق محمدتقی یزدی و محمدباقر بهبودی، چاپ سوم ج ۵۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

تربیت دینی و چگونگی بازنمایی آن در ... ❖ ۳۵

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، «انسان و ایمان»؛ قم، صدرا.

- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۳)، «چهل حدیث»؛ قزوین، طه.

- «نهج البلاغه»؛ ترجمه اسدالله مبشری (۱۳۷۱ ش)، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- «نهج البلاغه»؛ ترجمه سید جعفر شهیدی (۱۳۶۸ ش)، چاپ اول سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- Watson, James and Hill, Anne(2006). *Dictionary of Media*.